

### هنر نقاشی در ایران قدیم

هیچ ملتی را نمیتوان یافت که بهنرها و خصوصاً به هنر نقاشی بی توجه باشد، چنانکه اکنون عقب مانده ترین اقوام بشر مجسمه خداوندان خود را میسازند و بدن آنها را بوسایل گوناگون تزیین میکنند. اینکار مخصوص ملل عقب افتاده است، کودکان ما نیز همینکه قادر بگرفتن مداد شدند بدیوار اطرافها نقاشی مینمایند. پدران ما هم از آن موقعیکه ما باحوال آنها اطلاع داریم یعنی از شش هزار سال قبل از این قاعده کلی مستثنی نبوده اند.

ظروف سفالینی که در کاشان وری و نهاوند و بطور کلی در تمام نقاط فلات ایران پیدا شده است و هر کدام به تصاویر بسیار زیبایی مزین می باشد نشانی بر این مدعی است.

از آن هنگامیکه سرزمین ایران تحت حکومت واحد در آمد پادشاهان به برپاداشتن کاخ های عظیم و مجلل در تخت جمشید و مداین و سایر نقاط همت گماشتند بالطبع هنر پیکر سازی و نقاشی نیز سخت مورد توجه قرار گرفت و بیش از پیش رویه ترقی و تکامل رفت.

کاشی های رنگین لعاب داری که در تخت جمشید و در شوش بر دیوار آبادانای داریوش اول تزیین شده است و امروز نمونه های زیبایی از آن در موزه «لوور» موجود است بهترین دلیل بر وجود نقاشان زبردست در آن زمان می باشد. پیداشدن نمونه های نقاشی روی کج در موقع خاک برداری خزانه داریوش ثابت نمود که ستونهای چوبی این کاخ را از کج پوشانده و روی کج را با رنگهای قرمز و سبز و قهوه ای رنگ و با شکل های هندسی مزین کرده بودند.



تصویر رستم از جامع التواریخ رشیدی  
قرن هشتم

در دوره های نزدیک تر بما وجود مانی و کتاب مصور اودلیل دیگری است بر رواج هنر نقاشی در این سرزمین. از نقاشیهای مانی چیزی برای ما نمانده، اما نویسندگان و گویندگان دوره های پیش از آن زیاد یاد کرده اند.

خوشبختانه نمونه هایی از کتب مصور پیروان مانی متعلق به قرن چهارم هجری که در ترکستان پیدا شده است وسیله ایست که ما را بچگونگی سبک نقاشی او آگاه سازد. متأسفانه هر بار که سازمان سیاسی کشور ما بهم ریخت سیر تکاملی هنر نیز بیش یا کم متوقف ماند. یک بار بعد از هجوم یونانیان بایران و بار دیگر بسبب انقراض دولت ساسانی به دست اعراب بود که رشته امور از هم پاشیده شد و در پیشرفت صنایع و هنرها توقف حاصل آمد.



### دو نمونه از کارهای رضاعباسی ( قرن یازدهم )

پس از درهم ریختگی دولت ساسانی برای اولین بار در حدود قرن چهارم هجری صنعت تصویر کتاب در دوره خلفای عباسی رونق یافت. بسیاری تصور کرده اند که اصول مذهبی مانع پیشرفت صنعت در کشورهای اسلامی بوده است ولی با در نظر گرفتن بسیاری از کتب مصور و مجموعه های تصاویر که در بعضی کشورهای اسلامی بیادگار مانده می توان گفت اصول مذهبی در همه جا مانع کار صورت نگران نبوده است. در میان مسلمانان ایرانیها و بعد هندیهای مسلمان بیش از سایرین به صنعت نقاشی علاقه نشان داده اند. در کشورهایمانند مصر و ممالک اسلامی شمال آفریقا و جنوب اروپا صنعت تصویر کتب بسیار کمتر از نقاط دیگر معمول بوده



است. اما با اینحال مصریها در دوره‌های قدیمتر شاهکارهای بزرگی از نقاشی بر روی دیوار در آرامگاه سلاطین و بزرگان خود بیادگار گذاشته‌اند.

خلفای عباسی خصوصاً هارون الرشید و جانشینان او علاقه زیاد به عموم رشته‌های هنر نشان میدادند. دلایل بسیار در دست است که بعضی از خلفا در رواج ظروف لعاب دار منقوش و تصویر کتب نهایت کوشش را بکار می‌بستند.

نتیجه و ثمره علاقه آنها باعث شد که عموم هنرمندان بدربار آنها روی آوردند. باید

بودند که ساکنین آن با نقاشی خو گرفته بودند و نقاشی با زندگی آنها ملازم بود.

مغول‌ها به

صورتگران سرزمین ایران رموز بسیاری را آموختند و چون خود آنها بزرگترین خریداران این هنر بودند در تشویق هنرمندان دریغ نکردند.

در زمان شاهرخ

و جانشینان او مکاتب بزرگ نقاشی درهرات و تبریز و سایر نقاط فلات ایران بوجود آمد و کار نقاشان خریدار پیدا کرده

### بهرام میرزا قاجار

در دوره بعد تقریباً تمام نقاشان بزرگ دراصفهان جمع شدند و اینان نمره‌هایی بودند که از شکوفه‌های دوره مغول بیار آمده بود.

در دوره سلاطین صفوی هنر نقاشی چون درختی که بسبب بار وری بسیار میخشد

یکباره تنزل بسیار کرد.

در دوره های بعد از صفوی هم هنرمندان جز تقلید هنرمندان بزرگ سلف کاری از پیش



دانست که بهره [کار آنها در دوره‌های بعد پرثمرتر بود. با وجود اینکه خلفا به هنر نقاشی دلبستگی بسیار داشتند نقاشان بزرگی در زمان آنها پدید نیامدند. شاید باین علت بود که رموز این هنر در مدت چهار صد سال سکون و توقف فراموش گشته بود. پرثمرترین دوره برای صنعت مینیاتور سازی دوره پادشاهی جانشینان چنگیز و تیمور است. امرا و سلاطین مغول دلباخته صفحات مصور زیبا بودند، چه این مردم از سرزمینی آمده

نبردند. آنانهم که بزمان ما نزدیک بودند کارشان تقلید از کارهای اروپائی بود.

اصولاً در دوره‌های قدیم نقاشان نیروی هنری خود را منحصرأ در خدمت مذهب قرار میدادند، همچنانکه در حدود قرن ۱۳ میلادی یعنی تقریباً در همان زمانی که در مشرق زمین صنعت نقاشی مورد توجه قرار گرفته بود در اروپا نیز (پس از دوره تاریک قرون وسطی) این هنر مجدداً با ظاهری آراسته‌تر و مطمئن‌تر مورد توجه قرار گرفت و دوترن بعد از آن صنعت نقاشی در اروپا مدارج بسیار عالی را پیمود. در صورتیکه تکامل و سیر این هنر در مشرق زمین تقریباً در يك نقطه محدودی بود.

در اروپا نقاشی مخصوص کلیساها بود و منحصرأ موضوع‌های مذهبی تصویر میشد.

اما در ایران اگر کتاب‌مانی را نادیده بگیریم به هنر نقاشی با مذهب هیچ رابطه‌ای نداشت. نقاشی در ایران مخصوص امرا و شاهزادگان و سلاطین بود و موضوع‌های منتخب آن بطور کلی مناظری از بهار، چمنزارها، شکارگاه سلاطین، قامت بلند و باریک زنان، یا



تصویر عباس میرزا

تقاشی رنگ و روغن هیچوقت در ایران معمول نبود و منحصرأ در ممالک اروپائی مورد توجه بود و از آنجا بکشورهای آمریکایی وارد گردید.

در چند سال اخیر جوانان هنرمند ما با دقت و هوشمندی بفنون نقاشی رنگی آشنا شده‌اند. چند نمایشگاهی که از کارهای آنها در تهران داده شده است دلیلی است که آنها بخوبی خواهند توانست با نقاشان ممالک اروپائی رقابت نمایند.

صورت مرد های جوان با لباس های زیبا و رنگین بود - در ابتدا نقاشان بندرت سعی میکردند که تصویر حقیقی اشخاص را نقاشی کنند و بدین سبب همه اشخاص بیک شکل و جوان و زیبا نموده میشدند. در اواخر دوره صفویه (خصوصاً نزد نقاشان هندوستان) صنعت تصویر اشخاص رواج کلی یافت و یکی از نمونه‌های خوب آن مرقع گلشن است که اکنون در کتابخانه سلطنتی موجود است

تقاشی رنگ و